



شرح حکمت کلمه

آهوکشی یا آهوی کوهی

- جستارهایی درباره‌ی رمان‌های سمفونی مردگان، سال بلوا و پیکر فرهاد
- پیمان دهقان‌پور

آهوگشی یا آهوی کوهی

جستارهایی دربارهٔ رمان‌های

سمفونی مردگان، سال بلوا و پیکر فرهاد

جلد اول

پیمان دهقان‌پور



نشر حکمت کلمه

سرشناسه:	دهقان پور، پیمان، ۱۳۶۳-
عنوان و نام پدیدآور:	آهوگشی یا آهوی کوهی: جستارهایی درباره‌ی رمان‌های سمفونی مردگان، سال بلوا و پیکر فرهاد/پیمان دهقان پور.
مشخصات نشر:	تهران: حکمت کلمه، ۱۳۹۷.
مشخصات ظاهری:	۴۲۰ ص: جدول.
شابک:	۹۷۸-۶۰۰-۸۲۹۱-۴۷-۳
وضعیت فهرست‌نویسی:	فیبیا
یادداشت:	کتابنامه
عنوان دیگر:	جستارهایی درباره‌ی رمان‌های سمفونی مردگان، سال بلوا و پیکر فرهاد.
موضوع:	معروفی، عباس، ۱۳۳۶ - . سمفونی مردگان — نقد و تفسیر
موضوع:	معروفی، عباس، ۱۳۳۶ - . سال بلوا — نقد و تفسیر
موضوع:	معروفی، عباس، ۱۳۳۶ - . پیکر فرهاد — نقد و تفسیر
موضوع:	داستان‌های فارسی — قرن ۱۴ — تاریخ و نقد
موضوع:	Persian fiction -- 20th century -- History and criticism
شناسه افزوده:	معروفی، عباس، ۱۳۳۶ - . سمفونی مردگان، شرح
شناسه افزوده:	معروفی، عباس، ۱۳۳۶ - . سال بلوا، شرح
شناسه افزوده:	معروفی، عباس، ۱۳۳۶ - . پیکر فرهاد، شرح
رده بندی کنگره:	۱۳۹۷ ۸۰۸۴ س ۴۵/ع ۱۱/PIR۸۲۱۱
رده بندی دیویی:	۸۴۳/۳۶۲
شماره کتابشناسی ملی:	۵۵۱۸۲۰۶

آهوگشی یا آهوی کوهی

جستارهایی درباره‌ی رمان‌های
سمفونی مردگان، سال بلوا و پیکر فرهاد
جلد اول

نویسنده: پیمان دهقان پور

برگ آرا: محمد قائمی

طراح جلد: محسن توحیدیان

نوبت چاپ: اول، ۱۳۹۸

شمارگان: ۳۰۰ نسخه

قیمت: ۴۲۰۰۰ ریال



Tel: 09365243527

Email: hekmat.kalame@gmail.com

Telegram: @hekmatkalame

Instagram: @hekmatkalame

همه‌ی حقوق چاپ و نشر برای ناشر محفوظ است

فهرست

پیشگفتار ۷

متن پنهان در سمفونی مردگان: سمفونی مردگان و مسئلهٔ اثرپذیری از

کتاب اردبیل در گذرگاه تاریخ ۱۳

متن پنهان در سال بلوا: سال بلوا و مسئلهٔ اثرپذیری از کتاب اردبیل

در گذرگاه تاریخ ۱۹۷

دل از این و از آن چه باید جست
درد خود رهنمای مقصد تست
(سنایی غزنوی)

پیشگفتار

در موقعیت خواننده و در آنات خوانش متن، خودآگاه یا ناخودآگاه، این پرسش ممکن است در ضمیر ما بیدار یا زنده شود که متنی که اکنون در حال خواندن آن هستیم چگونه نوشته یا ساخته شده است و آیا جمله‌هایی که اکنون می‌خوانیم ممکن است برگرفته از متن یا متن‌های دیگری باشد؟ در این مجموعه به جلوه‌هایی از تأثیر و تأثر متن‌ها در برابر یکدیگر اشاره شده و نگارنده بر این باور است که مهم‌ترین مسئله در خوانش رمان‌های عباس معروفی «مسئله اثرپذیری» است. جریان اثرپذیری در برخی از این نمونه‌های یادشده برای هر خواننده‌ای به‌صورت یکسان آشکار خواهد شد و خواننده با برهم‌سنجی آن‌ها به‌سادگی و در کم‌ترین زمان ممکن درمی‌یابد که متن «الف» (سمفونی مردگان و سال بلوا) براساس متن «ب» (اردبیل در گذرگاه تاریخ) نوشته شده است؛ اما در نمونه‌های بسیاری درک فرایند اثرپذیری به‌سادگی و با یک‌بار خواندن متن ممکن نیست.

درباره نام نخستین و پسین این «مجموعه» شاید این توضیح راهنما باشد: «آهوکشی یا آهوی کوهی» جمله‌ای پرسشی است که به جستار پایانی و دربارهٔ رمان پیکر فرهاد بازمی‌گردد. «آهوکشی» برخاسته از منظومهٔ لیلی و همچون نظامی گنجه‌ای («آهوکشی آهوپی بزرگ است») و «آهوی کوهی» برآمده از مصراعی از ابو حفص سغدی («آهوی کوهی در دشت چگونه دودا») است. این جستار خود در گفت‌وگو با مقاله‌ای است با عنوان «آهوکشی آهوپی بزرگ است: نگاهی به رمان پیکر فرهاد عباس معروفی» از علیرضا آبیز که گویا اینک در دسترس خوانندگان نیست. خواننده چون به آن فصل برسد مقصود نگارنده را درمی‌یابد. عنوان پسین گویای کل مجموعه و دربرگیرندهٔ جستارهایی دربارهٔ رمان‌های سمفونی مردگان، سال بلوا و پیکر فرهاد است. شکل کلی این مجموعه مبتنی بر نه جستار است: بدین قرار:

در جستار نخستین به چگونگی و چرایی اثرپذیری نویسندهٔ سمفونی مردگان از کتاب اردبیل در گذرگاه تاریخ تألیف بابا صفری پرداخته و بر این باوریم که این کتاب یکی از اصلی‌ترین متن‌های پنهان رمان سمفونی مردگان است و فهم «کتاب رمان» وابسته به درنگ و درک «کتاب تاریخ» است و خوانش سمفونی مردگان بدون پیش چشم داشتن اردبیل در گذرگاه تاریخ همواره محدود، مبهم و ناتمام خواهد ماند.

در جستار دوم بر این نکته تأکید کرده‌ایم که اگرچه به‌ظاهر سمفونی مردگان و سال بلوا به‌عنوان دو رمان جدا از یکدیگر شناخته شده‌اند اما باید آن‌ها را یکی در شمار آوریم و اقلیم اصلی این رمان را مانند سمفونی مردگان باید «اردبیل» بدانیم و نه «سنگسر». دلیل این ادعا را اسلوب رمان‌نویسی عباس معروفی دانسته‌ایم و فهم این موضوع وابسته به درک چگونگی جریان اثرپذیری او از کتاب اردبیل در گذرگاه تاریخ است. سمفونی مردگان و سال بلوا را یک رمان دو جلدی در نظر گرفته و «مسئله تکرار» را در ادامه «مسئله اثرپذیری» مطرح کرده‌ایم.



در جستار سوم، بار دیگر مسئله اثرپذیری نویسنده سمفونی مردگان را با تأکید بر رمان بار دیگر شهری که دوست می‌داشتم مطرح کرده و یادآور شده‌ایم که برخلاف گفتار نویسنده در «پیرامتن»، بخش‌هایی از سمفونی مردگان وامدار روایت نادر ابراهیمی است و «نامه دوم» و پاره‌های دیگری از این رمان در شعری موسوم به «روزها و لحظه‌ها» در سمفونی مردگان دیده می‌شود.

در چهارمین جستار، با رعایت احتمال و در ادامه نوشتار الهام یکتا در ازل تا ابد (درونکاوی رمان «سمفونی مردگان»)، یکی دیگر از متن‌های پنهان سمفونی مردگان را

گزارش به خاک یونان دانسته و پاره‌هایی از دو متن را روبه‌روی یکدیگر نشانده‌ایم.

در جستار پنجم به ناهمخوانی زمانی در رمان سمفونی مردگان اشاره و برخی از اشتباه‌های زمانی رمان را یادآوری کرده‌ایم.

جستار ششم به سیمای ناخوشایند خویشاوندکشی در سمفونی مردگان می‌پردازد و مرزهای پسرکشی و برادرکشی را به یکدیگر بسیار نزدیک می‌بیند و برادرکشی را ادامهٔ پسرکشی می‌داند.



در جستار هفتم و هشتم به چگونگی اقتباس آزاد و اثرپذیری مستقیم نویسندگان و کارگردان‌های سریال‌های گوهر کمال و شب دهم از رمان سال بلوا پرداخته‌ایم. در جستار نهم پیکر فرهاد را بهترین رمانی دانسته‌ایم که اسلوب نگارش نویسندهٔ آن را آشکار می‌کند که براساس متن یا متن‌هایی رمان می‌نویسد یا می‌سازد. در همین راستا به سیر نقدهایی که دربارهٔ پیکر فرهاد نوشته شده اشاره کرده‌ایم که در مواردی رونویسی بدون ارجاع است و در ادامهٔ نقد نقدها، نکته‌های خاموش مانده در خوانش این رمان را به سخن واداشته‌ایم.

تاریخ نگارش مقاله‌ها به سال‌های ۱۳۹۰ تا ۱۳۹۷ بازمی‌گردد و چند مقاله از این مجموعه در سال‌های گذشته در فصلنامه نقد ادبی منتشر شده است؛ از جمله:

«بازتاب رمان بار دیگر شهری که دوست می‌داشتم در رمان سمفونی مردگان»، فصلنامه نقد ادبی، س ۶، ش ۲۲ (تابستان ۱۳۹۲)، صص ۸۹-۱۱۲.

«متن پنهان در سمفونی مردگان: بازتاب کتاب اردبیل در گذرگاه تاریخ در رمان عباس معروفی»، فصلنامه نقد ادبی، س ۷، ش ۲۷ (پاییز ۱۳۹۳)، صص ۱۵۷-۱۸۱.

«متن در پرده: مجموعه تلویزیونی گوهر کمال و اثرپذیری آن از رمان سال بلوا»، فصلنامه نقد ادبی، س ۸، ش ۳۲ (زمستان ۱۳۹۴)، صص ۵۳-۸۴.

صورت کنونی با صورت مقاله‌های چاپ‌شده یکسان نیست و در مواردی جمله‌هایی افزوده یا واژه‌هایی را تغییر داده‌ام. این تغییر در مقاله دوم با گسترش بیشتری همراه است. متناسب با «استاندارد»های فصلنامه‌های دانشگاهی، برای نمونه در تعیین شمار واژگان (۶۵۰۰ واژه)، نتوانستم مقاله‌هایی را که در سال‌های گذشته نوشته بودم به چاپ برسانم (جستار دوم، هشتم و نهم در این شمار است). نگارنده همین‌جا بر خود لازم می‌داند تا از سردبیر (دکتر محمود فتوحی رودمعجنی)، ویراستار (اعظم فتحی هل‌آباد)، داوران و دیگر همکاران فصلنامه نقد ادبی سپاسگزاری کند.

آنچه در این «کتاب» می‌خوانید فقط دربرگیرنده جلد اول،
جستارهای یکم و دوم («متن پنهان در سمفونی مردگان و سال
بلو») است. جستارهای دیگر در آینده دور یا نزدیک منتشر
خواهد شد.

متن پنهان در سمفونی مردگان: سمفونی مردگان و مسئله اثرپذیری از کتاب اردبیل در گذرگاه تاریخ

اگر بخواهیم در جست‌وجوی متن یا متن‌هایی باشیم که رمان سمفونی مردگان (۱۳۶۸) براساس آن‌ها گسترش یافته است، بی‌تردید یکی از آن متن‌ها، کتاب اردبیل در گذرگاه تاریخ تألیف بابا صفری (۱۳۸۲-۱۲۹۹) خواهد بود. این متن در سراسر سمفونی مردگان حضور چشم‌گیری دارد و به شیوه‌های گوناگون در تاروپود آن تنیده شده است؛ تا آنجا که گاه به‌جای صدای عباس معروفی، آوای بابا صفری را می‌شنویم.

سمفونی مردگان یک رمان تاریخی نیست اما از نظر تاریخی، روی داده‌های سال‌های ۱۳۱۳ تا ۱۳۵۵ را در اقلیم اردبیل به تصویر می‌کشد. در نگاه نخست، شاید اصلی‌ترین دلیلی که نویسنده را

برانگیخته تا به سراغ اردبیل در گذرگاه تاریخ برود، عنوان «اردبیل» در این کتاب بوده است؛ اما فراتر از این جریان، نویسنده نه تنها برای بازسازی روی داده‌های تاریخی از متنی تاریخی وام می‌گیرد، حتی در مواردی شخصیت‌هایی را خلق می‌کند که برابری شده شخصیت‌هایی واقعی بوده‌اند. در این نوشتار، لحظه‌هایی را یادآور شده‌ایم که سمفونی مردگان براساس اثرپذیری مستقیم از کتاب اردبیل در گذرگاه تاریخ نوشته شده است.

۱

کتاب اردبیل در گذرگاه تاریخ تألیف بابا صفری در سه جلد منتشر شده است: جلد اول «از دوران قدیم تا ظهور سلسله پهلوی» (۱۳۵۰)، جلد دوم «اردبیل در زمان سلطنت مؤسس سلسله پهلوی» (۱۳۵۳) و جلد سوم «اردبیل از سوم شهریور ۱۳۲۰ تا انقلاب ۱۳۵۷» (۱۳۶۲) را دربرمی‌گیرد.

بابا صفری در این کتاب، همچنان‌که از نام آن نیز پیداست، تاریخ اردبیل را از گذشته‌های دور (پیش از اسلام) تا انقلاب ۱۳۵۷ از منابع مختلف دنبال می‌کند و گاه راوی روی دادهایی است که خود شاهد و ناظر آن‌ها بوده است. کتاب او جلد چهارمی نیز دارد که به وقایع اردبیل پس از سقوط سلطنت می‌پردازد که گویا هنوز انتشار نیافته است. بابا صفری کتاب تاریخ خود را فقط به ذکر «وقایع» منحصر نکرده بلکه آن را «آینه تمام‌نمای گذشته» گردانیده است.^۱

رمان سمفونی مردگان از منظر تاریخی، روی داده‌های سال‌های ۱۳۱۳ تا ۱۳۵۵ را در جغرافیای اردبیل پوشش می‌دهد. شاید اصلی‌ترین دلیلی که نویسنده سمفونی مردگان را برانگیخته تا به سراغ اردبیل در گذرگاه تاریخ برود، دسترسی به اطلاعات تاریخی، سیاسی و اجتماعی درباره جغرافیای اردبیل و آداب و رسوم و سنن و فرهنگ مردم آن دیار بوده است. به ظاهر، زمانه نویسنده و سال‌های نگارش رمان (۱۳۶۷-۱۳۶۳) در سمفونی مردگان غایب است و او به زمانه دیگری نقب زده است؛ اما از روایتش چندان بوی گذشته شنیده نمی‌شود. معمولاً این شیوه مرسوم است که نویسندگان متناسب با تنگناهای زمانه یا «ایام ناهموار» یا «ایام پراضطراب»^۲ (یا شاید علایق شخصی یا هر دلیل دیگری) به سراغ زمان‌هایی می‌روند که مُرده یا شبه‌مُرده‌اند تا از این گریزگاه بتوانند با بازآفرینی گذشته از واقعیات زمانه خویش سخن بگویند و اگر نقدی به این روزگار دارند، در کالبد آن روزگار بدمند.

به نگر میخایل باختین «تربخش‌ترین حالت وقتی است که مقارنت زمانی (Contemporary) بین نویسنده و شخصیت خلق‌شده یا بین نویسنده و رخ داده‌های خلق‌شده وجود داشته باشد» (۱۳۹۰: ۵۳۷). اما در داستان‌نویسی معاصر در نمونه‌هایی با نوعی «عدم مقارنت زمانی» یا «نامعاصرانگی» مواجهیم. درواقع، زمان و زمانه نگارش رمان به‌ظاهر-هیچ

همخوانی‌ای با زمان و زمانه مطرح شده در رمان ندارد و بر عهده خواننده است که باید پیام راستین متن را از «گذشته» به «حال» انتقال دهد و این شاید گویای نبود آزادی‌های عینی یا ذهنی متناسب با قالب رمان باشد.

روی کرد اصلی این نوشتار، آفتابی نمودن یک «متن پنهان» در رمان سمفونی مردگان بوده است. به‌باور نگارنده، اردبیل در گذرگاه تاریخ - دست‌کم - یکی از اصلی‌ترین متن‌های پنهان رمان سمفونی مردگان بوده؛ اما به دلایلی، این متن پنهان هرگز امکان آشکارگی نیافته است.

در این نوشتار، اردبیل در گذرگاه تاریخ را «متن نزدیک» دانسته‌ایم در تقابل با «متن دور». با این توضیح که می‌توان پیرامون هر متن، دایره‌ای از اثرپذیری ترسیم کرد. پیرامون این دایره نیز می‌توان دایره‌هایی کشید که برخی از آن‌ها از دایره اصلی بسیار دورند و برخی بسیار نزدیک. دایره‌های نزدیک را «متن‌های نزدیک» به‌شمار می‌آوریم که بر دایره مرکزی تأثیر مستقیمی دارند و دایره‌های دور را «متن‌های دور» در نظر می‌گیریم که یا تأثیری بر دایره مرکزی ندارند یا اگر بتوان تأثیری برای آن‌ها متصور شد باید آن را تأثیر غیرمستقیم و ناخودآگاه یا مربوط به حافظه مشترک بشری دانست. بنابراین، اردبیل در گذرگاه تاریخ را در گفت‌وگو با سمفونی مردگان، متن نزدیک می‌دانیم که نویسنده رمان با اثرپذیری مستقیم از آن متن، متن در حال نگارش خود را

پیش برده، گسترش داده و فربه کرده است.

اگرچه هوشنگ گلشیری بر این باور بوده است که سمفونی مردگان «دقیقاً بر گرتۀ خشم و هیاهو نوشته شده است» (که اثباتش آسان است) و جز بخش آغازین موومان یکم و موومان یکم آخر کتاب بقیه فاقد قدرت است و اغلب تکرار مکررات. یعنی درحقیقت داستان همین دو بخش است که به دلایلی که خواهد آمد، باد شده است» (۱۳۸۸: ۱/ ۶۶۵). در این نوشتار نشان خواهیم داد که نباید فقط در خشم و هیاهو متوقف بمانیم؛ بلکه باید در جست‌وجوی متن یا متن‌های دیگری باشیم و دلیل «باد شدن» رمان را «مسئله اثرپذیری» یا «متن در متن» و نقل و انتقال «کتاب تاریخ» در «کتاب رمان» بدانیم.

۲

اگر به کتاب ازل تا ابد (درونکاوی رمان «سمفونی مردگان») به‌ویژه به دو مقاله «بستر تاریخی سمفونی مردگان» و «سفر به مرز تخیل و واقعیت» - بنگریم، خواهیم دید که گویا برای نخستین بار در این مقاله‌ها، در بررسی سمفونی مردگان از کتاب اردبیل در گذرگاه تاریخ یاد می‌شود. این احتمال را می‌توان پیش چشم داشت که عباس معروفی در گفت‌وگوهایی که الهام یکتا با او انجام داده است به اثرپذیری‌های خود از چند کتاب اشاره کرده باشد؛ اما شیوه الهام یکتا در ازل تا ابد

به گونه‌ای است که آگاهی و دریافت خود از این اثرپذیری‌ها را، در مسیر نقد، با خواننده در میان نمی‌نهد و حتی می‌توان گفت که او آگاهی خود از چگونگی روند اثرپذیری‌های یک متن در برابر متن‌های دیگر را پنهان می‌کند و خواننده کتاب او هرگز در نمی‌یابد که نویسنده سمفونی مردگان از اردبیل در گذرگاه تاریخ اثر پذیرفته است.

در فضای نقد ادبی ایران، خوانندگان سمفونی مردگان می‌توانستند حداقل از سال ۱۳۶۸ یا حداکثر از سال ۱۳۷۲ (که زمان انتشار کتاب مرگ رنگ است) از اثرپذیری مستقیم عباس معروفی از متنی تاریخی آگاهی یابند؛ اما همچنان‌که گفتیم این آگاهی به خوانندگان نرسیده است. شاید یکی از اصلی‌ترین دلایل آن، تمرکز بیش از اندازه منتقدان بر رمان خشم و هیاهو باشد و منتقدانی که از اثرپذیری نویسنده سمفونی مردگان از تألیف بابا صفری آگاه بودند، برای کاستن از خشم‌ها و هیاهوها، با سکوت از کنار آن گذشتند؛ اما در نقد خود به گونه‌ای غیرمنصفانه از تألیف بابا صفری یاد کردند و با وجود پیش چشم داشتن آن متن، گواهی‌های ناراست یا نامعتبر صادر کردند.

همچنین، عباس معروفی در گفت‌وگویی با الاهی بقراط در پاسخ به این پرسش که «برای تصویر فضای جنگ جهانی دوم، ماجرای چتربازها، رفتن شاه و اعتصاب کارگران از چه منابعی استفاده کردید؟» چنین گفته است:

کتاب ارزشمندی در دستم بود باعنوان اردبیل در گذرگاه تاریخ تألیف بابا صفری. من حتی از لحن، فضا و احساس این نویسنده سودهای فراوان بردم. گاهی حس می‌کنم آقای بابا صفری این کتاب را برای من نوشته بود. کتابی که اگر کسی آن را ورق بزند، ارتباطی از آن با سمفونی مردگان درک نخواهد کرد. آن کتاب را باید درک کرد و سمفونی مردگان را ورق زد (معروفی و بقراط، ۱۳۷۹).

نکته کلیدی در اینجا است که نویسنده پس از یازده سال از انتشار سمفونی مردگان در گفت‌وگویی اذعان می‌کند که از کتاب اردبیل در گذرگاه تاریخ سود برده است و در اثنای سخن، درک و دریافت خواننده را نادیده می‌گیرد. اما اگر خواننده‌ای کتاب اردبیل در گذرگاه تاریخ را با درنگ بخواند و آن متن را روبه‌روی سمفونی مردگان بنشانند، برخلاف گفته عباس معروفی، به آسانی می‌تواند جلوه‌هایی از اثرپذیری‌های پیدا و پنهان بسیاری را ببیند. روشن است که بابا صفری این کتاب را برای «خوانندگان» نوشته است و نه آقای عباس معروفی که گویی با خود پنداشته است که این کتاب برای اوست و می‌تواند هرطور که دلش خواست از آن استفاده یا سوءاستفاده کند.

۳

برای بررسی چگونگی بازتاب کتاب اردبیل در گذرگاه تاریخ

در سمفونی مردگان در چند زیرعنوان درنگ خواهیم کرد تا بتوانیم فاصله «متن مبدأ» تا «متن مقصد» را بیماییم و میزان تأثیر و تأثیر آن‌ها را از یکدیگر بسنجیم:

- شخصیت پردازی؛

- فضا سازی شهر و نام مکان‌ها؛

- باز سازی وقایع براساس بازنویسی؛

- باز آوری فرهنگ عامیانه.

در سمفونی مردگان پیکره اصلی برخی از شخصیت‌ها براساس کتاب اردبیل در گذرگاه تاریخ ساخته و رنگ آمیزی شده است. برای نمونه می‌توانیم از این شخصیت‌ها نام ببریم: «سوجی»، «استاد ناصر دلخون» و «گالوست میرزایان». آیدین از اصلی‌ترین شخصیت‌ها در سمفونی مردگان است که می‌توانیم او را شخصیتی دو پاره بدانیم که هم فرهیخته است و هم دیوانه یا شبه دیوانه و نویسنده با تمهیدی نااستوار، آنهم با خوراندن مغز چلچله، در ۲۸ سالگی او را به جنون می‌رساند.^۳ بیشتر منتقدان در نظر به سمفونی مردگان، پیش و بیش از هر متنی، خشم و هیاهو را دیده و در لحظه‌هایی، سوجی را قرینه‌ای از «بنجی» دانسته‌اند.^۴ افزون بر این، چهره دیوانه‌نمای «میرزا آیدین اورخانی»، که در قالب و نقاب سوجی به سخن می‌آید، برابر سازی شده شخصیتی واقعی به نام «میرزا محمد دیوانه» است.

اگرچه نویسنده در گفت‌وگویی، خوانندگان را به سراغ عارفان قرن چهارم و بهالیل می‌فرستد و یا از بنجی دور می‌کند:^۹ در ۲۹ سالگی به تکامل عارفانه‌ای می‌رسد که رفتاری شبیه عارفان قرن چهارم پیدا می‌کند. بهلول‌وار به زندگی ادامه دادن و بریدن از سطح زندگی، فرورفتن در عمق خویش، نتیجه‌اش در موومان چهارم رمان می‌آید. موومان چهارم بیانیهٔ آیدین است که از زبان یک دیوانه جاری می‌شود. (اینجا جهان‌بینی من با فاکتور متفاوت می‌شود. الگوی من یک عارف قرن چهارمی است که در قرن بیستم زندگی می‌کند.) خوب، آیدین اندیشه‌های سیاسی و اجتماعی و فلسفی دارد. اندیشه‌های شاعرانه دارد. نمی‌دانم (معروفی، ۱۳۶۹: ۲۷۸).

اما با رجوع به کتاب اردبیل در گذرگاه تاریخ به درستی می‌توان بخشی از سیمای واقعی سوجی و جمله‌های او را بازشناخت. بابا صفری گفتار پانزدهم از جلد سوم کتاب خود را به «نقدها و نظرات خوانندگان در مورد مطالب مجلدات پیشین» اختصاص داده است. یکی از خوانندگان کتاب، حاجی علی نجات، گفتارهایی دربارهٔ مرحوم میرزا محمد دیوانه نقل کرده است؛ بدین قرار:

بیچاره سال‌هاست به مرض روانی مبتلاست ولی گفتارهای عجیب و غریب دارد و باسواد هم هست. من هم چند جمله از او به یاد دارم. زمستان سختی بود. ۱۵ شبانه‌روز دائماً برف

می‌بارید. اندکی هوا آرام گرفت یعنی شب‌ها می‌بارید و روزها بارندگی نمی‌شد. میرزا محمد که از بازار می‌گذشت زیر یکی از گنبدها ایستاد و با آن ژست مخصوص و با تغییر رو به آسمان کرد و خطاب به خدا گفت، ۱۵ روز و شب هی برای ما برف تپاندی. از بس زیاد شد خودت هم از مردم خجالت کشیدی. حالا روش تازه پیش گرفته‌ای شب‌ها وقتی مردم در خوابند کار خودت را می‌کنی و مخفیانه می‌تپانی (صفری، ۱۳۷۱: ۳/۵۱۷).

این نقل^۶ را همراه با افزودن و کاست‌هایی در سمفونی مردگان از زبان سوچی می‌شنویم:

گفت: «می‌بینی آقا داداش، دو هفته است که دارد برف می‌تپاند.» از روزنه سقف گنبدی کاروانسرا به آسمان نگاه کرد و گفت: «از بس زیادی تپانده، خودش هم از مردم خجالت کشیده. حالا دیگر وقتی مردم شب‌ها خوابند کار خودش را می‌کند» (معروفی، ۱۳۸۴: ۷۴).

بابا صفری در جای دیگری در پاسخ به منتقدی، از میرزا محمد یادی می‌کند و تصویر روشن‌تری از او می‌نمایاند:

در اردبیل، در زمانی که ما این مطالب را جمع‌آوری می‌کنیم شخصی است به نام «میرزا محمد» که به میرزا محمد دیوانه معروف است. سنش تقریباً شصت سال می‌شود. قبای بلندی به تن دارد و کفش و جوراب می‌پوشد. سربرهنه در خیابان و بازار می‌گردد و با کسی کاری ندارد.